

جان میلتن و فردوسی

دکتر شمسی پارسا*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

گلناز پیوندی**

مربی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

چکیده

این نوشتار بر آن است تا به مطالعه‌ی تطبیقی **بهشت گم‌شده** اثر جان میلتن شاعر انگلیسی قرن هفدهم میلادی و **شاه‌نامه** اثر فردوسی شاعر ایرانی قرن چهارم هجری بپردازد. این دو شاعر مشترکات فراوانی در چگونگی سرنوشت و آثار دارند. این مطابقه بر اساس مکتب تطبیقی آمریکایی صورت گرفته است. در این مکتب بر یافتن مدارک و شواهد تاریخی در حیطه‌ی ارتباط و تأثیرات اصرار نمی‌شود و قبول می‌شود که برخی شباهت‌ها ناشی از روح مشترک همه انسان‌هاست. نکته‌ی جالب در این مقایسه، ویژگی‌های مشترک در سرنوشت این دو شاعر و همچنین شخصیت آنان است. هر دو در اوان میان‌سالی شروع به سرودن اثری حماسی کردند که باعث جاودانگی نام آن‌ها در تاریخ ادبیات جهان شد. دیگر این که مدت زمانی طولانی حدود ۲۰ الی ۲۵ سال را صرف سرودن اثر خویش کردند. هر دو از نظر مالی وضعیت خوبی داشته و از ارث زیادی بهره برده بودند که سرانجام در اثر سپری کردن وقت خود برای خلق اثر خویش آن را از دست دادند. برجسته‌ترین ویژگی مشترک این دو اثر حماسی، زبان فاخر، تشبیهات زیبا و مضامین وصفی آن‌هاست. هر دو اثر دارای حکایات مناسبی برای کودکان و نوجوانان است. هر دو از مقبولیت چندانی در زمان زندگی صاحب خویش برخوردار نشدند. پایان هر دو نیز غم‌انگیز است. همان‌طور که **شاه‌نامه** خدمت بزرگی به زبان فارسی کرده، **بهشت گم‌شده** نیز این خدمت را به زبان و ادبیات انگلیس انجام داده است. یکی از تقابل‌های این دو اثر، محتوای آن‌هاست؛ **بهشت گم‌شده** درباره‌ی داستان آفرینش آدم و حوا و در واقع حماسه‌ای مذهبی است، اما **شاه‌نامه** حماسه‌ای ملی و درباره‌ی سرگذشت شاهان ایران باستان از عهد نخستین تا آخرین پادشاه عهد ساسانی است.

واژگان کلیدی: جان میلتن، فردوسی، **بهشت گم‌شده**، **شاه‌نامه**، شباهت‌ها و تقابل‌ها.

* Email: sha_parsa@yahoo.com

** Email: g.peivandi@gmail.com

۱- مقدمه

جان میلتون شاعر انگلیسی قرن هفدهم میلادی است. حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز از شاعران حماسه‌سرای ایرانی قرن چهارم هجری است. این دو شاعر مشترکات فراوانی در چگونگی سرنوشت و آثار دارند که این نوشتار به بررسی این ویژگی‌ها می‌پردازد. درباره‌ی جان میلتون و اثر ارزش‌مند وی، بهشت گم‌شده، نقد و نظرهای بسیاری صورت گرفته است. پژوهش‌های بی‌شماری نیز درباره شاه‌نامه فردوسی انجام شده، اما تاکنون درباره‌ی مقایسه‌ی این دو اثر تا آن‌جا که نگارندگان بررسی کرده‌اند، اثری مشاهده نشده است.

این مقایسه و تطبیق بر اساس مکتب تطبیقی آمریکایی صورت گرفته است. «در این مکتب حیطةی ارتباطات یکی از زمینه‌های عمده‌ی پژوهش در ادبیات تطبیقی دانسته می‌شود منتها از منظری فراخ‌تر؛ بدین‌سان که بر یافتن مدرک تاریخی و شواهد اثبات‌گرایانه اصرار نمی‌شود.» (شرکت مقدم، ۱۳۸۸، ۵۱-۵۲)

در این‌جا نخست به بررسی زندگی و آثار جان میلتون پرداخته شده سپس زندگی فردوسی و اثر وی، شاه‌نامه را با زندگی و اثر جان میلتون یعنی بهشت گم‌شده مقایسه می‌شود.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- جان میلتون و بهشت گم‌شده:

«جان میلتون در ۹ دسامبر ۱۶۰۸ در لندن به دنیا آمد. او شاعر و نویسنده‌ی انگلیسی است. وقتی او دیده به جهان گشود، ویلیام شکسپیر، شاعر و درام‌نویس بزرگ انگلیس در اوج شهرت و محبوبیت می‌زیست و هنوز بیش از هشت سال از عمرش نمی‌گذشت که شکسپیر جهان هستی را بدرود گفت. او بین سال‌های ۱۶۲۵ تا ۱۶۳۳ در مدرسه سن‌پل و بعد از آن دانشگاه کمبریج به تحصیل پرداخت. در خلال سال‌های ۱۶۴۱ تا ۱۶۶۰ به تبیین اندیشه‌های خود در خصوص آزادی بیان، آزادی مذهب و آموزش پرداخت. میلتون در سال ۱۶۴۲ از دانشگاه کمبریج فارغ‌التحصیل شد در حالی که به پنج زبان انگلیسی،

فرانسه، لاتین، یونانی و عبری تسلط کامل داشت. علاوه بر این‌ها، شعر می‌سرود و موسیقی هم می‌دانست.» (شهباز، ۱۳۸۵، ۱۸۲-۱۸۱)

در سال ۱۶۵۲ بینایی خود را از دست داد. در ۲۱ سالگی اولین اثر مشهور خود **سرود تولد مسیح** را سرود و به زودی سرشناس شد. وقایع آن زمان جامعه‌ی انگلستان به شدت روح او را آزار می‌داد به طوری که به تدریج روحی مبارزه طلب پیدا کرد و تصمیم گرفت بر علیه بی‌دادگری قیام کند. حکومت به شدت وی را تحت تعقیب قرار داد و فعالیت وی را محدود کرده بود. او در دفاع از آزادی فکر و قلم شعر می‌سرود و مردم را تشویق می‌نمود. دو اثر مشهور او **بهشت گم‌شده** و **بهشت باز یافته** از شاه‌کارهای ادبی دنیاست.

میلتنون را نخستین شاعر جمهوری‌خواه بریتانیا در ۳۵۰ سال پیش می‌دانند. پیرامون او در تاریخ ادبیات آمده که میلتنون از موضع ضد فئودالی، ضد کلیسایی و ضد سلطنتی و به هواخواهی از جمهوری‌خواهی بورژوازی، انقلاب و جنبش جدید آن زمان را به آواز کشید. نبوغ او را در حد دانه و شکسپیر می‌دانند تا زمان پیش از او غالب شاعران غرب دم‌خور دربار سلطنتی بوده و مدیحه‌سرایی می‌کردند. او شاعر جمهوری‌خواهی است که دین، دولت و اخلاق حاکم را زیر سؤال برد. مشهوریت او امروزه شاید به دلیل افکار جمهوری‌خواهی و فعالیت‌های اجتماعی‌اش باشد تا زیباشناسی آثارش، از جمله آثار او: **بهشت گم‌شده**، مقالات جدلی، ترانه‌ها، نمایش‌نامه‌های ماسکی، **بهشت باز یافته**، شعر بلند نمایشی، درباره تربیت، عارف، حکومت شاه و درباریان، دفاع از خلق، دفاع از خود، راه ساده و تشکیل دولت آزاد، صبح‌گاه و تولد مسیح، مرثیه‌ای برای دوست و درباره‌ی آزادی مطبوعات هستند. درام شعری «سامسون مبارز» حاوی شوق و شور انقلاب ضد فئودالی است.

میلتنون خالق حماسه‌ی شعری **بهشت از دست رفته** در سال ۱۶۶۷، زمانی که او کاملاً قدرت بینایی‌اش را از دست داده بود، می‌باشد. عنوان قبلی این اثر **جناب آدم، بدون بهشت** بود. قهرمان اصلی کتاب، آقای شیطان است و آن اثری است احساسی و شوق‌آمیز و نه عقل‌گرا. میلتنون در این کتاب به طور نمادین و با کمک نیروهای انسانی، اشاره به مبارزه برای انقلاب آن زمان مترقی بورژوازی ولی ضد فئودالی می‌نماید. «مورخین ادبی بر این باورند که وی شعر حماسی **بهشت گم‌شده** را تحت تأثیر هومر و ویرژیل نوشت. قهرمان آثارش غیر از شیطان و ابلیس غالباً الهه‌ها و فرشته‌ها، ملائک و یا انسان‌های

اسطوره‌های ایده‌آل مانند آدم و حوا هستند. او یکی از نمایندگان روشن‌گری انگلیس زمان خود بود.» (honarvar, 1376, 261)

او غیر از زبان انگلیسی به زبان لاتین و ایتالیایی نیز می‌نوشت و شهرت جهانی در تمام طول عمرش داشت. اثر بسیار زیادی بر روی جنبش رمانتیک (romantic) در انگلستان داشت. بیش‌تر دیدگاه‌های او از مطالعه بسیار زیاد، سفر و تجربه است. میلتون هم‌چنین چندین اثر منثور مانند **هنر منطق** (Art of Logic) و **تاریخ بریتانیا** (Britain History of) دارد. «در کل زندگی ادبی جان میلتون به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱- زندگی جوانی که به تحصیل پرداخت و باعث خلق **لیسیداس** (Licidas) در سال ۱۶۳۷ شد.

۲- ۱۶۴۰-۱۶۶۰ که بیش‌تر آثار بحث‌برانگیز و منثور خود را به نگارش در آورد و بیش‌تر دغدغه‌هایش سیاسی و اجتماعی بود.

۳- در نهایت ۱۴ سال آخر عمرش که بزرگ‌ترین اشعار خود **بهشت گم‌شده** و **فردوس باز یافته** را نوشت. «همان» «جان میلتون شعری نیز در باب نابینایی خود با نام در باب نابینایی (on his blindness) سرود.» (۶۸۰، ۱۹۶۵، Perrine)

۲-۲- **بهشت گم‌شده:**

بهشت گم‌شده یک اثر حماسی از آفرینش عالم است. مجموعه شعری است در دوازده دفتر. رزم‌نامه‌ای است از سقوط انسان. اثری است مانند **ایلیاد و ادیسه‌ی هومر** در زبان یونانی و یا مجموعه شعری **ویرژیل** در زبان لاتین، منتها از دیدگاه یک طرفدار متعصب مذهب پیوریتانیزم در مذهب پروتستان. «سخن با طرد شیطان از آسمان و سقوط او به دریای آتش دوزخ آغاز می‌شود. این ملک مقرب چنان‌که در کتب آسمانی آمده است به سبب گردن‌کشی و نافرمانی از بهشت رانده می‌شود و دوزخ دهان می‌گشاید تا کیفر اعمال او را بدهد.» (شهباز، ۱۳۸۵، ۱۸۳)

«ابلیس در ژرفای دوزخ کاخی عظیم بنا می‌نهد و پیروانش را که دیگر رانندگان بهشت هستند به گرد خویش جمع می‌آورد. روزی یاران به بحث می‌نشینند که آیا شایسته است بار دیگر با پروردگار توانا به پیکار برخیزند؟ و ابلیس به آنان خبر می‌دهد که آفریننده‌ی بزرگ دو مخلوق نو به نام آدم و حوا آفریده و باید به گرد آن دو رفت و آنان را فریفت و از فردوس برین بیرون انداخت. اندیشه‌ی او مورد پسند یاران قرار می‌گیرد و او به صورت

نوری از اسافل دوزخ عازم عرش اعلی می‌شود. خداوند بر سریر فرمانروایی تکیه کرده است. وقتی بر اعمال ملک مطرود یعنی ابلیس می‌نگرد، با تأسف پیش‌گویی می‌کند که وی سرانجام خواهد توانست آدم و حوا را از راه به در برد و باعث سقوط و تباهی آن دو گردد. ابلیس در بهشت به صورت ماری خوش خط و خال در مسیر آدم و حوا قرار می‌گیرد، با حوا که دلی ساده‌تر و پاک‌تر دارد سخن‌ها می‌راند تا نزدیک درخت معرفت می‌رسد، درختی که خوردن میوه‌اش را پروردگار برای دو مخلوقش منع کرده است. ابلیس آن چنان حوا را با وسوسه‌های شیطانی خود می‌فریبد که سرانجام حوا به سوی آن می‌رود.» (همان، ۱۸۴) آن‌چه در این حماسه جاودانی مطرح است تنها داستان آن نیست بلکه، زبان فاخر شاعر است که با به کار بردن تشبیهات زیبا و تعبیرات دل‌پذیر و کلمات خوش‌آهنگ و ترکیبات نوظهور و مضامین وصفی خدمتی بزرگ به زبان و ادبیات انگلیسی انجام داده است.

۲-۳- فردوسی و شاهنامه:

فردوسی در سال ۳۲۹ ه. ق در روستای پاژ از ناحیه طابران طوس زاده شد. پدر او از دهقانان طوس و دارای ثروت و رفاه بوده است. فردوسی مدتی از روزگار کودکی و جوانی خود را در تحصیل دانش گذراند. از تاریخ و ادب فارسی و ادبیات عرب و علوم دینی و تاریخ نیز آگاهی‌هایی داشته است. از روزگار جوانی به شعرسرایی علاقه داشته و برخی از داستان‌های کهن را به نظم کشیده است. در میان‌سال‌ی و پس از فوت دقیقی شاعر و ناتمام ماندن کتابش در صدد دنبال کردن کار او بر می‌آید. (ر.ک. شعار و حسن انوری به نقل از فردوسی، ۱۳۷۹، ۱۲-۱۸)

تاریخ شروع به نظم **شاهنامه** صریحاً معلوم نیست ولی با استفاده از قرائن متعددی که از **شاهنامه** مستفاد می‌گردد «می‌توان آغاز به نظم **شاهنامه** ابومنصوری را به وسیله‌ی استاد طوس سال ۳۷۰-۳۷۱ هجری معلوم کرد. اگر تاریخ ولادت فردوسی را ۳۲۹ هجری بدانیم، بنابراین وی نیز در چهل سالگی شروع به نظم **شاهنامه** کرده است.» (همان، ۱۲۰) «تاریخ ختم **شاهنامه** ۳۸۴ است. در ترجمه‌ای که فتح بن علی بنداری اصفهانی به حدود سال ۶۲۰-۶۲۴ از **شاهنامه** به عربی ترتیب داد.» (همان، ۱۲۲) دومین نسخه در سال ۳۹۴ به اتمام رسید. بنابراین ۲۴ الی ۲۵ سال سرایش **شاهنامه** طول کشید. «در **شاهنامه** سه دوره‌ی متفاوت را می‌توان تشخیص داد. اول دوره‌ی اساطیری از

پادشاهی کیومرث تا ظهور فریدون، دوره‌ی دوم عهد پهلوانی از قیام کاوه تا قتل رستم و دوره‌ی سوم دوران تاریخی از اواخر عهد کیان به بعد است و لیکن این قسمت نیز آمیختگی با افسانه‌ها و داستان‌های حماسی دارد.» (صفا، ۱۳۷۹، ج ۱، ۴۸۹)

۲-۴- ویژگی‌های مشترک شخصیتی میلتون و فردوسی:

۲-۴-۱- افکار سیاسی:

شعر میلتون اغلب حاوی افکار فلسفی و سیاسی است. وی کوشید با کمک اسطوره‌های کهن، علم نجوم سده‌های میانه و دستاوردهای دانش جدید زمان خود، درک نوینی از جهان در عصر خود بیابد. در نظر مذهب‌یون، موضوع اصلی آثار میلتون، مبارزه نیروهای آسمانی با نیروهای زمینی و جهنمی است.

کلود موشار بر ترجمه‌ی فرانسوی شاتو بریان از *بهشت گم‌شده*، مقدمه‌ای نوشته که در آن چنین آمده است که: میلتون متفکر عجیب و غیر معمولی نبود بویژه در رابطه با سیاست یا علم فقه. او افکار و اندیشه‌های عمومی را جمع‌آوری می‌کرد، سپس همه آن‌ها را در نوشته‌های خود منعکس می‌ساخت و با کمال شهامت و بی‌باکی درباره آن‌ها به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت. (ر. ک. میلتون، ۱۳۸۳، ۱۰)

«حمله او به کنستانتین در سال ۱۶۴۱، دفاعیه او از نظام خانوادگی در سال ۱۶۴۲، دفاع او از امر طلاق، از تعهد وظیفه‌ای که شاهان در توضیح دادن اعمال خود نسبت به ملتشان دارند، دفاعیه او از جمهوری در سال ۱۶۶۰ همه کارهایی بود که از شجاعت و دلاوری بسیار زیاد او در عرصه‌ی قلم حکایت می‌کند. او حقیقتاً یک چهره‌ی عمیقاً سیاسی است و به اهدافی که به آن‌ها اعتقاد داشت و تصور می‌کرد که صحیح و درست هستند به شدت وابسته و متعهد بود.» (میلتون، ۱۳۸۳، ۲۷)

میلتون هم‌چنین مردی سنجیده و عاقل و دانا است. «از این‌رو در اوج دوران انقلاب انگلستان اعلامیه‌ای برای پارلمان می‌نویسد و از اعضای آن می‌خواهد تا لایحه‌ای را که برخی از نمایندگان پارلمان درباره‌ی سانسور مطرح کرده و در حال تصویب آن‌اند از دستور مذاکرات حذف کنند. میلتون بارها و بارها اعلام می‌کند که تنها در جست‌وجوی منطق و خرد است.» (همان، ۲۶)

فردوسی نیز در عصری خردستیز می‌زیست و در حکومتی که با سیاست دینی کمر به نابودی مخالفان خود بسته بود. حتی مذهب فقهی و کلامی وی نیز مغایر با اندیشه‌های

سیاست حاکم بود. در مقدمه‌ی **شاهنامه** می‌بینیم که به‌ترین تمجید را از خرد و دانش ارائه می‌دهد. «اوایل سده‌ی چهار هجری دوره‌ی درخشان علم و ادب و آزادی افکار در ایران بود و در اواخر این دوره که هنوز درخشندگی تمدن ایرانی خیره‌کننده بود، مقدمات غلبه حکومت‌های غیر ایرانی فراهم آمد و دوران جدیدی در تاریخ ما که به دوره‌ی غلبه سیاست دینی معروف است و طبعاً عواقب نامطلوب خود را در دوران بعد به جا گذارد، آغاز شد.» (صفا، ۱۳۷۹، ج ۱، ۵۵)

این دوره هم‌چنین عهد مفاخرت به نژاد و ملیت ایرانی و آزادی افکار و عقاید فرق مختلف و عدم تعصب امرا و حفظ سیاست ملی و نژادی ایرانیان شمرده می‌شود و به همین سبب پایه حماسه‌های ملی فارسی در این دوره گذاشته شده است.

نکته‌ی دیگر این‌که فردوسی از کین اکتونیان به مهر گذشتگان رسیده است. نفرت او از ضحاک و افراسیاب بازتاب کینه‌ی دامنه‌دار او نسبت به تازیان و ترکان روزگار خویش است. غاصبانی که فرهنگ و فرمان را در این مرز و بوم خوار کرده‌اند. او علناً نشان می‌دهد که داستان‌های **شاهنامه** را به آهنگ هش‌دار دادن به پادشاه معاصر خویش و دیگر فرمان‌روایان پرداخته است.

۲-۴-۲- استفاده از فرهنگ غنی قبل از خود:

«میلتنون از میراث غنی فرهنگی و بشری برخوردار بود و این جنبه از شخصیت او در **بهشت گم‌شده** به نمایش گذاشته شده است.» (میلتنون، ۱۳۸۳، ۳۸) فردوسی نیز در سرودن **شاهنامه** از منابعی استفاده کرد که سرشار از فرهنگ غنی ایران پیش از اسلام بود. «**شاهنامه** متضمن تاریخ داستانی ایران است. ریشه‌های روایات آن از اوستا خصوصاً از یشت‌ها و یسناها آغاز شد و با روایات دینی و تاریخی دوره‌های اشکانی و ساسانی تکامل یافته به دوره‌ی اسلامی کشید و سپس از نیمه‌ی دوم قرن سوم در **شاهنامه‌های** منثور و رمان‌های قهرمانی تدوین شده به دوران حیات فردوسی رسید.» (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۱، ۹۹)

۲-۴-۳- کناره‌گیری از مشاغل دولتی:

«میلتنون پس از سال ۱۶۶۰ از هرگونه فعالیت اجتماعی کناره‌گیری کرد و خود را وقف فعالیت‌های فردی و شاعرانه نمود.» (میلتنون، ۱۳۸۳، ۳۴) فردوسی نیز هنگام سرودن **شاهنامه** دست از کارهای دیگر کشید و تمام عمرش را صرف سرودن **شاهنامه** کرد.

۲-۴-۴- تهی‌دستی در آخر عمر:

در سال ۱۶۶۷ میلتون نزدیک به پنجاه‌ونه سال داشت که در اندیشه‌ی چاپ کردن کتاب خود افتاد و اداره سانسور سلطنتی چاپ این کتاب را ممنوع کرده بود. زیرا از هر بیت آن بوی خیانت به سلطنت چارلز دوم به مشام می‌رسید. هیچ کتاب‌فروشی تمایل به خریدن نسخه‌ی دست‌نویس او نداشت تا این‌که آقای سایمنز آن را در ازای پرداخت مبلغ پنج پوند استرلینگ خرید. «بهشت گم‌شده» در تمام طول عمر باقی‌مانده‌ی شاعر در اعماق کمدهای مغازه‌ی کتاب‌فروشی باقی ماند. میلتون تا هفت سال پس از چاپ کتاب خود در قید حیات ماند و هرگز شاهد موفقیت چشم‌گیر خود برای نگارش این اثر بی‌نظیر نشد. میلتون اکنون پیر و سال‌خورده، علیل، فقیر، محروم از نعمت هر دو چشم و ناگزیر از نوشتن برای امرار معاش شده بود.» (همان، ۱۱۴)

شاه‌نامه نیز در زمان زندگی فردوسی از اعتباری رسمی برخوردار نشد. وی نیز در اواخر عمر در اثر غفلتی که به سبب سرودن شاه‌نامه نسبت به املاک و مستغلات خود داشت، تهی‌دست شد.

۲-۵- ویزگی‌های مشترک شاه‌نامه و بهشت گم‌شده:

۲-۵-۱- توصیفات زیبا:

میلتون بیش‌ترین تلاش خود را می‌کند تا از قدرت توصیف خود و از آگاهی و دانش عمیقی که از ادبیات ایتالیایی در ذهن دارد استفاده کند تا بتواند توصیفی از بهشت ارائه دهد. برای نمونه مراسم عروسی آدم و حوا در بهشت این چنین توصیف شده است: «پرنندگان شادمان شدند! نسیم‌های دل‌گشا و بادهای سبک‌بال، خبر این پیوند را در میان جنگل‌ها با زمزمه اعلام داشتند و بال‌هایشان بازی‌کنان، گل سرخ‌هایی به سویمان پرتاب کردند و نیز روایح تند بیشه‌ای معطر را، تا سرانجام پرنده‌ی عاشق شبانه ترانه‌ی عروسی ما را آواز خواند، و به ستاره‌ی شبانه فرمان راند که گام‌هایش را بر روی ستیغ تپه‌اش تسریع بخشد، تا مشعل مراسم عروسی را روشنی بخشد.» (میلتون، ۱۳۸۳، ۹۲۲)

توصیف‌هایی که میلتون در بهشت گم‌شده ارائه کرده است، ماهیتی بسیار مخملین و نرم و لطیف دارند. او به طرز بسیار زیبا به وصف خورشید در حال غروب می‌پردازد: «هنوز نور بزرگ روز، مسیر زیادی را برای پیمودن راه خویش در پیش دارد، هر چند از حالا رو به غروب است: آفتاب آویزان از آسمان که با صدای تو نگاه داشته می‌شود و به

ندای مقتدر آن‌ها گوش فرا می‌دهد و یقیناً بیش از پیش در جای خود باقی خواهد ماند تا اصل و منشأ خود و چگونگی طلوع طبیعت را از سینه‌ی آن گودال آشفته از زبان تو بشنود و اگر ستاره‌ی شبانه و ماه قصد دارند با شتاب بیش‌تری به سویت بشتابند، شب سکوت را همراه خود خواهد آورد.» (همان، ۸۶۳) یا رسیدن شب در باغ عدن با این توصیف: «بلبل نغمه‌ی شکوه‌آمیز و عاشقانه‌ی خود را تکرار می‌کرد و سکوتی مسحور در اطراف گسترده شده بود.» (همان، ۱۲۹)

در هنگام وصف حوا در تمام طول این قسمت از منظومه، ماهیت شاعری میلتنون همواره بر ماهیت او به عنوان روحانی متفکر پیشی می‌گیرد. در واقع لباس نماد اصلی سقوط بشر و هم‌زمان نشانه‌ی ذهن و اندیشه نیز می‌باشد. عشق آدم و حوا در بهشت از بالاترین تحسین‌ها برخوردار است و به هیچ وجه ماهیتی ناملموس و غیر واقعی ندارد. با این حال از هر نوع حالت پست و حقارت‌آمیز و ناپاک جداست. «حوا با مشاهده‌ی این حالت در مکانی که دور از دیدگان آن‌ها (آدم و رافائل) نشسته بود با تواضعی شکوه‌مند و سرشار از ملاحظت بپاخاست به‌گونه‌ای که اگر کسی مشاهده می‌کرد آرزو می‌کرد از او بخواهد باز هم بدان حالت باقی بماند. بدین‌سان حوا با گام‌هایی الهه‌وار از آن‌جا دور شد. بدون همراه نبود و بسان شه‌بانویی می‌نمود که همراه جمعی از هم‌رهانی مهر و جذاب در کنارش حضور دارند و از اطراف او نشانه‌هایی از شوق و نیاز به همه‌ی دیده‌ها می‌فرستادند تا موجب گردند باز دیگران خواستار حضور مستمر او باشند.» (همان، ۹۰۴-۹۰۵)

سموئل تی‌لر کلریچ شاعر انگلیسی (۱۷۷۲-۱۸۳۴) و جزو پیش‌گامان مکتب رمانتیسم درباره شیوه‌ی شاعری میلتنون می‌گوید: «میلتنون سعی نکرده شاعری تصویری باشد. وی همواره با گزینش شیئی برای توصیف آن را به‌گونه‌ای در برابر دیدگان خوانندگانش قرار می‌دهد که دیگر تا پایان داستان از همان اهمیت و ویژگی برخوردار باقی می‌مانند. میلتنون سعی دارد با افزایش دادن جزئیات توصیفی بر غنای تصاویری که ارائه می‌کند باز هم اضافه نماید و از نیروی تخیل همواره در حال فعالیت خود پیوسته کمک می‌گیرد بدون آن‌که این کارها ذره‌ای در نظر خواننده کسالت‌آور به نظر برسد.» (همان، ۲۵۹)

هنر سخن‌پردازی فردوسی نیز البته در سراسر **شاه‌نامه** نمایان است، ولی استادی او را در هنر داستان‌سرایی تنها آن‌جا می‌توان مشاهده کرد که «مطالب مأخذ او، روایات میتولوژی یا اخبار تاریخی نیست بلکه، افسانه‌هایی است که به شاعر فرصت می‌دهند با

پروردن آن‌ها به داستان‌پردازی پردازد.» (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۱، ۱۰۵)

داستان‌هایی که در **شاهنامه** از جنبه‌ی هنر داستان‌سرایی اهمیت خاص دارند عبارتند از: داستان زال و رودابه، داستان هفت خان رستم و هفت گردان و ... بنابراین **شاهنامه** نیز از توصیفات بسیار زیبایی برخوردار است. فردوسی در توصیفات خود از شب و روز بسیار زیبا عمل کرده است. برای نمونه توصیف شب در داستان بیژن و منیژه بدین شکل آمده است:

شبی چون شبه روی شسته به قیر	نه بهرام پیدا، نه کیوان نه تیر
دگرگونه آرایشی کرد ماه	بسپج گذر کرد بر پیش‌گاه
شده تیره اندر سرای دورنگ	میان کرده باریک و دل کرده تنگ
ز تاجش سه بهره شده لاجورد	سپرده هوا را به زنگار گرد
	(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۵، ۵)

فردوسی ابتدای هر داستان و نبردی را با شروع روز آغاز می‌کند و نخست به توصیف طلوع خورشید می‌پردازد. این توصیفات اغلب در یک یا دو بیت صورت می‌گیرد. مانند این نمونه‌ها:

چو خورشید برزد سر از تیره کوه	میان را ببستند گردان گروه
چو برزد سر از کوه تابنده شید	(فردوسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۲۵)
چو خورشید بنمود بالای خویش	برآمد سر تاج روز سپید
به زیر اندر آورد برج بره	(فردوسی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۷۵)
	نشست از بر تندبالای خویش
	جهان چون می زرد شد یک‌سره
	(همان، ۲۶)

وی هم‌چنین در داستان‌های تغزلی هم‌چون زال و رودابه، بیژن و منیژه، رستم و تهمینه، سهراب و گردآفرید و ... علاوه بر مطالبی که از منابع خویش نقل می‌کند، از تخیل خود نیز بهره گرفته و توصیفات بدیع ارائه می‌دهد. برای نمونه به توصیف رودابه در داستان زال و رودابه توجه کنید:

ز سر تا به پایش به کردار عاج	به رخ چون بهشت و به بالای ساج
بر آن سفت سیمینش مشکین کمند	سرش گشته چون حلقه‌ی پای‌بند

ز سیمین برش رسته دو ناردان
مژه تیرگی برده از پر زان
بر او توز پوشیده از مشک ناز
پر آرایش و رامش و خواسته
(همان، ۱۰۹)

رخانش چو گل‌نار و لب ناردان
دو چشمش بسان دو نرگس به باغ
دو ابرو به سان کمان طراز
بهشتی است سرتاسر آراسته

هم‌چنین در توصیف صحنه‌های نبرد بین دو پهلوان یا توصیف کارزار نیز بسیار شاعرانه عمل کرده است. مانند توصیفات نبرد رستم و سهراب:

به سر بر همی گشت بدخواه بخت
گرفتند هر دو دوال کمر
تو گفתי که چرخ بلندش ببست
زمانه سرآمد نبودش توان
بدانست کو هم نماند به زیر
بر پور بیدار دل بردرید
(فردوسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۴۸)

دگر باره اسبان ببستند سخت
به کشتی گرفتن نهادند سر
سپه‌دار سهراب آن زور دست
خم آورد پشت دلاور جوان
زدش بر زمین بر به کردار شیر
سبک تیغ تیز از میان برکشید

در جنگ ایرانیان و تورانیان نیز این چنین به توصیف صحنه‌ی کارزار می‌پردازد:
درخشیدن خنجر و زخم تیر
ز شنگرف نیرنگ زد بر ترنج
تو گفתי به هم اندرآمیختند
همی کرد بر رعد غران فسوس
دریده دل شیر و چرم پلنگ
(همان، ۴۷)

برآمد خروشیدن دار و گیر
تو گفתי که ابری برآمد ز کنج
دو لشکر به یک‌دیگر آویختند
غریبیدن مرد و غرنده کوس
ز آسیب شیران پولاد چنگ

نکته‌ی جالب دیگر در توصیفات مذکور آوردن تشبیهات زیبا و بدیعی است که هر دو شاعر در توصیف قهرمانان خویش و هم‌چنین توصیف مکان و زمان داستان‌ها از آن بهره گرفته‌اند.

۲-۵-۲- مناسب بودن حکایات برای کودکان:

ساموئل جانسن نویسنده انگلیسی (۱۷۰۹-۱۷۸۴) خالق فرهنگ زبان انگلیسی درباره بهشت گم‌شده چنین آورده است: «در بهشت گم‌شده گاه مشاهده می‌کنیم که

قدرت‌های دوزخی یا آسمانی تنها به شکل قدسیانی ناملموس و گاه به شکل کالبدهایی جان‌دار و ملموس ظاهر می‌شوند. هنگامی که شیطان با نیزه خود به راه رفتن می‌پردازد. از کالبدی جسمانی برخوردار است اما، در هنگام عبور از دوزخ و ورود به دنیای جدید در خطر سقوط و غرق شدن در خلا حضور دارد و تنها با کمک بخارهایی که به بالا صعود می‌کنند در هوا معلق باقی می‌ماند. به دلیل همین سرگشتگی درباره وضعیت جسمانی یا غیر جسمانی فرشتگان (اعم از فرشتگان نافرمان) در سراسر داستان ماجرای نبرد فرشتگان در آسمان ماهیتی مهم می‌یابد. از این‌رو این قسمت از داستان که در **کتاب مقدس** نیز شرح آن مختصراً بیان شده است، همواره مورد توجه و علاقه کودکان است و هر قدر بزرگ‌تر و پخته‌تر می‌شوند و بر میزان دانش و اطلاعاتشان افزوده می‌گردد، توجه به آن کاهش می‌یابد.» (میلتون، ۱۳۸۳، ۲۳۵) برای مثال در توصیف شیطان چنین می‌سراید:

«پایین بدن خود را به صورت لایه‌های درهم پیچ خورده به شکل برجی بلند و هم‌چون راهرویی تنگ که رو به پهنا می‌رود به حلقه‌هایی بی‌شمار درآورده بود. تاجی بلند به سر او خودنمایی می‌کرد و چشمانش چونان سنگ آهن سیاه می‌مانست. گردنش طلایی مایل به سبزی سوخته می‌نمود و با حالتی جهنده خود را بر روی چمن‌زاری در میان لایه‌های مارپیچی و گرد راست نگاه داشته بود. شکلی خوشایند و زیبا داشت. هرگز زان پس مارها تا آن اندازه زیبا نشدند» (همان، ۹۶۰)

برخی از داستان‌های **شاه‌نامه** نظیر رستم و سهراب، رستم و اسفندیار، داستان ضحاک و ... برای کودکان و نوجوانان مناسب است. در دوره‌ی کنونی نیز بسیاری از این داستان‌ها برای این رده‌ی سنی بازآفرینی شده‌اند.

۲-۵-۳- مورد قبول عام قرار گرفتن پس از گذر سال‌ها:

رنه دو شاتو بریان در مقدمه خود بر **بهشت گم‌شده** بیان می‌کند که شهرت و آوازه‌ی **بهشت گم‌شده** به کندی صورت گرفت. «آداب و رسوم سبک‌سرانه‌ی آن دوران که از فساد اخلاقی آن قرن سخن می‌گفت و نیز بی‌میلی شدید که نسبت به هر مبحث دینی در مردم ایجاد شده بود به گونه‌ای که موجب پدیدار شدن ذهنی ناباور و عاری از ایمان و اعتقاد مذهبی در میان مردم می‌گشت، همواره در مخالفت و عدم موفقیت منظومه‌ای به شدت و جدیت آن‌چه میل‌تون خلق کرده بود عمل می‌کرد.» (همان، ۱۲۵)

اما به محض آن‌که در دسترس خواننده قرار گرفت تا سه سال متوالی هر ساله چاپ

و در سال ۱۶۷۴ چاپ مجدد با شرح و تفصیل بیش‌تری از آن انتشار یافت. این که در قرن هفدهم کتابی در فاصله هفده سال چهار بار تجدید چاپ شود، با در نظر گرفتن وضع اجتماعی آن ایام انگلستان دلیل آن است که این کتاب حماسی، مذهبی و اساطیری با قبول عام و استقبال شایان مواجه بوده است. (ر.ک. همان، XXI)

شاهنامه نیز تا زمانی که غزنویان بر سر کار بودند از اقبال عمومی برخوردار نبود و در میان آثار ادبی زمان خود مسکوت ماند. زیرا برخورد فردوسی و محمود غزنوی در واقع برخورد دو گونه نظریه درباره‌ی قدرت و دین بود. «یک‌سو نظریه‌ای مبتنی بر خرد و عدالت و آزادی و برداشت متعالی از اسلام هم‌سو با نیازهای ملی و طبیعی ایران و دیگر سو قدرتی مبتنی بر سلطه و خردگریزی و دادکشی و دریافتی تصلبی و قشری از اسلام که هیچ تناسبی با نیازهای میهنی و مردمی ایران نداشت و در این میان فردوسی و نظریه و **شاهنامه**‌اش از پا افتادند.» (محبّتی، ۱۳۸۱، ۵۲) در دوره‌های بعد **شاهنامه** کم کم مورد اقبال و توجه واقع شد.

۲-۵-۴- اساطیری و تاریخی بودن:

برخی معتقدند که میلتنون نمی‌بایست بخش واپسین کتاب را به چیزی دیگر اختصاص می‌داد، در حالی که از نظر شاتو بریان این بخش به زیبایی و شکوه سایر قسمت‌های کتاب است. «در این قسمت میلتنون به عنوان شاعری والا مقام به مورخی به همان اندازه والا مقام مبدل می‌شود بدون آن که دست از هنر شاعری خود برداشته باشد.» (میلتنون، ۱۳۸۳، ۱۳۳) «**شاهنامه** نیز در قسمت‌های آغازین اساطیری و پهلوانی و سپس تاریخی می‌شود.» (فردوسی، ۱۳۷۹، ۲۳)

۲-۵-۵- عشق:

ولتر شاعر، نویسنده و فیلسوف فرانسوی (۱۶۹۴-۱۷۷۸) درباره عشق در منظومه‌ی **بهشت گم‌شده** بر این عقیده است که عشق در همه‌ی نوشته‌ها و دیگر اشعار عالم به عنوان مظهر فساد در نظر گرفته شده است حال آن‌که، در اشعار میلتنون تنها یک صفت نیک و مطلوب برای روح بشر به شمار می‌رود. تصاویری که او از عشق ترسیم می‌کند درست به اندازه‌ی کسانی که قهرمانان داستانش به شمار می‌روند و اندامی برهنه دارند، پاک و عریان است و به همان اندازه نیز ماهیتی محترم و احترام برانگیز دارند. او سعی دارد با دستی عفیفانه حجابی را که بر روی این احساس پرشور کشیده شده است کنار زند

و در این جاست که با ملایمت و لطافت و مهربانی و حرارتی عاری از شهوت و فساد مواجه می‌شویم: «شاعر موفق می‌شود ما و خود را به داشتن حالتی که تنها می‌توان به عنوان سعادت‌ی معصومانه معرفی نمود، دعوت کند. حالتی که آدم و حوا تنها برای مدتی کوتاه توانستند از آن بهره‌مند باشند. او بر فراز خصوصیات بشری به پرواز در می‌آید و مهم‌تر از همه ماورای طبیعت و ماورای فساد و شرارت و بدی در هوا معلق می‌شود. از آن‌جا که تا به حال چنین نمونه‌ای از عشق وجود نداشته است، پس حقیقتاً چنین نوشته‌ی شاعرانه‌ای نیز تا پیش از او در میان انسان‌ها آفریده نشده بود.» (میلتون، ۱۳۸۳، ۲۱۲-۲۱۳) عشق از زبان آدم چنین توصیف می‌شود:

«ته ظاهر زنانه‌ی او که چنین زیبا آفریده شده است و نه چیزی در امر تولید مثل که در همه‌ی نژادها و تیره‌های آفریده شده، مشترک و عمومی است، موجب می‌شود که همدمم و این حالات و رفتار زیبا و فریبایش و هزاران لطیفه‌ی شایستگی و حجب و حیایی را که همواره از همه‌ی گفتارش تراوش می‌کند، بیش‌تر دوست بدارم و همه‌ی اعمال و کردار او که با عشق و رضایتی دل‌پذیر و شیرین آمیخته است و از پیوند صمیمانه و صادقانه‌ی ذهن و یا وجود روحی یگانه در میان ما دو حکایت دارد، بیش‌تر برایم حائز اهمیت است.» (همان، ۹۲۵)

عشق در **شاهنامه** نیز از چنین صفتی برخوردار است. توصیفات قهرمانان از زنانی که با آن‌ها نرد عشق باخته‌اند، علاوه بر صفات ظاهری و زیبایی آنان شامل دانش و خرد و سایر صفات معنوی آن‌ها نیز می‌شود. برای مثال در توصیف ته‌میننه فردوسی چنین می‌سراید:

پس پرده اندر یکی ماه‌روی	چو خورشید تاپان پر از رنگ و بوی
دو ابرو کمان و دو گیسو کمند	به بالا به کردار سرو بلند
روانش خرد بود و تن جان پاک	تو گفستی که بهره ندارد ز خاک

(فردوسی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۱۵)

در توصیف فرنگیس دخت افراسیاب از زبان پیران ویسه نیز چنین از خرد و دانش

وی می‌سراید:

فرنگیس مه‌تر ز خوبان اوی	به گیتی نبینی چنان روی و موی
به بالا ز سرو سهی برتر است	ز مشک سیه بر سرش افسر است
هنرها و دانش ز اندازه بیش	خرد را پرستار دارد به پیش

(فردوسی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۷۰)

۲-۵-۶- ویژگی دایرةالمعارفی شعر حماسی:

شیوهی روایت در شعر حماسی با ماهیت ویژه‌ای همراه است. در این شکل بخصوص نوعی کیفیت آنسیکلوپدیک یا دایرةالمعارفی نیز وجود دارد و موجب می‌شود تا جوهر ناب همه‌ی آموزش‌های مذهبی، فلسفی، سیاسی و حتی علمی دوران مربوطه تقطیر شود. نورتراپ فرای منتقد، اندیش‌مند و نویسنده‌ی بزرگ کانادایی معتقد است: «شعر حماسی تنها در اواخر عمر یک شاعر قابل اجراست. زیرا میزان مقدار حمل کردن علم و دانشی که شاعر ناگزیر است بر دوش خود کشد باید از وزن بسیار سنگینی برخوردار باشد.» (فرای به نقل از میلتون، ۱۳۸۳، ۲۸۹)

فردوسی نیز از همان مقدمه‌ی **شاهنامه** شروع به بحث‌های فلسفی و هستی‌شناسی می‌کند و در ضمن داستان‌های حماسی خود به بیان نکات جالب و دقیق جهان‌بینی خویش می‌پردازد.

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه برنگذرد
خداوند نام و خداوند جای	خداوند روزی‌ده ره‌نمای
ز نام و نشان و گمان برتر است	نگارنده برشده گوهر است
به بینندگان آفریننده را	نبینی مرنجان دو بیننده را
نه اندیشه یابد بدو نیز راه	که او برتر از نام و از جای‌گاه
	(فردوسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۲)

از نظر فردوسی آنچه جهان و آدمی و دین و مینو را پاس می‌دارد و بسامان می‌کند، خرد است. «حتی زندگی فره از فرزانی خرد است. خرد، فره را از تازش دیو آز حفظ می‌کند.» (مختاری، ۱۳۷۹، ۱۸۴) در باب خرد و خردورزی هیچ اثری در سراسر ادبیات فارسی همانند **شاهنامه** نیست که «تا بدین مایه کار و بار و حال و قال خرد را سنجیده و احترام نهاده باشد و تعبیرات بس شگرف و شگفت درباره‌ی ارزش و ارج و والایی خرد آفریده باشد.» (مجتبی، ۱۳۸۱، ۵۳)

۲-۵-۷- پایان غم‌انگیز:

قهرمان داستان میلتون یعنی آدم، موجودی بسیار بدبخت است. «این ثابت می‌کند که خلاف نظریه‌ی همه منتقدان ادبی، یک منظومه‌ی بسیار عالی علی‌رغم همه‌ی ضوابط و قوانین موجود، می‌تواند پایانی غم‌انگیز نیز داشته باشد.» (میلتون، ۱۳۸۳، ۲۱۸) **شاهنامه**

نیز پایانی غم‌انگیز دارد و با به سرآمدن تاریخ آخرین سلسله‌ی پادشاهان ایرانی یعنی ساسانیان به انجام می‌رسد.

۲-۶- تقابل‌ها:

اگرچه شاه‌نامه و بهشت گم‌شده دو اثر حماسی کلاسیک و دارای مشترکات فراوانی هستند اما تقابل‌هایی نیز در این دو اثر یافت می‌شود:

۲-۶-۱- ویژگی‌های زبانی:

«زبان میلتنون زیبایی پیچیده، خردمندانه، فاضلانه، روحانی و بسیار اساطیری دارد. به همین دلیل است که خواندن میلتنون تلاشی به راستی دشوار محسوب می‌شود.» (میلتنون، ۱۳۸۳، ۱۵۹) برای نمونه:

Moon that now meetst the orient sun , now flist with the fixed
starrs, fixt in thir orb that flies and yee five other wandering fires
that move in mystic dance not without song, resound.

(Milton, 1667 , 106)

اما شیوه‌ی بیان شاه‌نامه ساده و روشن است. فردوسی در بیش‌تر موارد سخن را کوتاه می‌گوید و از پیرایه‌سازی و سخن‌پردازی اجتناب می‌کند. «سخن فردوسی استواری و جزالتی دارد که شعر او را خاصه در داستان‌های رستم مصداق آن‌چه لونگینوس نمط عالی خوانده است قرار می‌دهد. قدرتی که در آوردن تعبیرات گوناگون دارد لطف و زیبایی بی‌مانندی به کلام او می‌بخشد که در سخن دیگران نیست» (زرین‌کوب، ۱۳۸۳، ۱۴۳) بنابر این فردوسی با زبانی شیوا، روان و ساده به توصیف حوادث، شخصیت‌ها و مکان‌ها و زمان‌های داستان خود پرداخته است. برای نمونه در داستان فرود سیاوش بسیار ساده و روان به توصیف جریان نبرد می‌پردازد:

شب تیره بر چرخ لشکر کشید	چو خورشید تابنده شد ناپدید
ز سوی کلات اندر آمد سوار	دلیران دزدار مردی هزار
خروش جرس خاست و آوای زنگ	در دز ببستند از این روی تنگ

(فردوسی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۴۳)

یکی دیگر از تفاوت‌های شاه‌نامه و بهشت گم‌شده در قافیه‌دار نبودن اثر میلتنون است. «میلتنون با نادیده شمردن اهمیت قافیه (زیرا به قول وی این کار نوعی اختراع دوران

جاهلیت می‌باشد)، از عدم حضور قافیه در اشعار عظیم و باشکوه خود سخن می‌گوید.»
(میلتون، ۱۳۸۳، ۲۱)

That they may stumble on, and deeper fall and none but such from
mercy I exclude but yet all is not don, Man disobeying tic dance
not without song, resound disloyal breaks his fealtie and sinns.
(Milton, 1667, 61)

۲-۶-۲- نگرش نسبت به زن:

میلتون از زبان آدم در توصیف زن چنین می‌گوید: «شاید آن چه را از پهلویم بیرون کشیدند بیش از آن چه لازم می‌نمود خارج کرده بودند. دست کم به زن مزایای بی‌اندازه زیادی ارزانی شده بود؛ با ظاهری از هر جهت کامل، لیک با باطنی کم‌تر کامل، زیرا به خوبی درمی‌یابیم که بر اساس هدف اولیه‌ی طبیعت از نظر ذهنی و قابلیت‌های باطنی که بیش از همه فعال‌اند در سطح پایین‌تری به سر می‌برد. به همان نسبت نیز از نظر ظاهری به صورت آن کس که هر دو نفرمان را آفریده کم‌تر شباهت دارد و کم‌تر می‌تواند ویژگی این فرمان‌روایی را که بر سایر مخلوقات اعطا شده است، بیان بدارد. با این حال هنگامی که به ملاحظت و زیبایی او نزدیک می‌گردم به نظرم چنان کامل و چنان شایسته و بایسته و عاری از هر عیبی می‌رسد و چنان آگه از حقوق خود که هر آن چه را قصد بیان دارد یا انجام دهد به عاقلانه‌ترین، شایسته‌ترین، مناسب‌ترین و به‌ترین صورت به انجام می‌رساند.»
(همان، ۹۲۳)

میلتون تسلیم بودن مرد در برابر زیبایی‌های دل‌فریب زن را نیز از نظر دور نداشته و این نقطه ضعف مردانه را نیز چنین از زبان آدم معترف می‌شود: «هر دانش برتری با خفت و حقارت در حضور او بر زمین می‌افتد. خرد و درایت با گفت‌وگو با او، حیران و خجل و گم‌گشته می‌گردد و به نظر مجنون می‌رسد. قدرت و منطق از او پیروی می‌کند و گویی او نخستین آفریده است و صرفاً بنا به تصادفی نامعلوم چون شخص دوم آفریده شده است. برای تکمیل این گفته‌ها بزرگی روح و شرافت و وقار زیباترین جای‌گه خود را در وجود او یافته‌اند و در اطراف او هم‌چون نگه‌بانی ملکوتی احترامی آمیخته به ترس پدید آورده‌اند.»
(همان)

در آن قسمت از داستان که حوا میوه‌ی ممنوعه را خورده و پشیمان شده، آدم را مورد

سرزنش قرار می‌دهد که چرا از رفتن او جلوگیری نکرده است. آدم در توصیف زن چنین می‌گوید: «آری همواره برای آن کس که بیش از اندازه به لیاقت و قابلیت زن اعتماد کند و یا به او اجازه دهد تا بنا به میل و اراده‌ی وی به پیش رانده شود، چنین فرجامی پیش آید! هرگز زن در هنگام ناراحتی هیچ محدودیتی را پذیرا نخواهد شد! و آن‌گاه که به حال خود رها می‌گردد و چنان‌چه برایش شری از راه رسید، نخست اغماض و بردباری ملائیم مرد را متهم خواهد ساخت.» (میلتون، ۱۳۸۳، ۹۸۸)

فردوسی نیز دیدی متفاوت نسبت به زن دارد. وی برخی از زنان داستان‌های خویش هم‌چون ته‌مین و رودابه را به داشتن عقل و درایت و تدبیر لازم ستوده است و بعضی دیگر هم‌چون سودابه را به داشتن صفاتی زشت نکوهش کرده است. برای نمونه در داستان سیاوش از زبان رستم چنین به نکوهش وی می‌پردازد:

از اندیشه‌ی خرد شاه بزرگ	نماند روان بی‌زیان سترگ
کسی کو بود مه‌تر انجمن	کفن به‌تر او را که فرمان زن
سیاوش ز کردار زن شد به باد	خجسته زنی کو ز مادر نژاد

(فردوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ۱۱۵)

در قسمتی دیگر از این داستان از زبان سیاوش که پدرش از وی می‌خواهد به شبستان شاهی برود و با خواهران خود دیدار کند چنین می‌گوید:

چه آموزم اندر شبستان شاه	به دانش زنان کی نمایند راه
--------------------------	----------------------------

(همان، ۱۷)

اگر دیدی منصفانه داشته باشیم باید اعتراف کنیم که این با واقعیت مطابقت دارد. نمی‌توان گفت که تمام زنان از صفاتی شایسته یا صفاتی زشت برخوردارند. همان‌طور که تمامی مردان نیز پاک و منزّه و معقول نیستند.

۳- نتیجه‌گیری

به طور کلی جان میلتون و فردوسی هر دو شاعری حماسه‌سرا هستند که در میان‌سال‌ی به سرودن شاه‌کار خود پرداختند و مدت ۲۰ الی ۲۵ سال از عمر خویش را بر سر این کار نهادند و توانستند نام خود را در تاریخ ادبیات جهان جاودانه کنند. هر دو شاعر شخصیتی

سیاسی داشتند و به اوضاع اجتماع عصر خود توجه ویژه‌ای نشان می‌دادند. هم‌چنین هر دو از فرهنگ غنی قبل از خویش در اثر خود بهره گرفته‌اند. میلتون هنگام سرودن **بهشت گم‌شده** از مشاغل دولتی کنار گرفت و فردوسی نیز از سرکشی به املاک و مستغلات خویش باز ماند. همین امر سبب تهی‌دستی وی در اواخر عمر شد و سرنوشتی مانند میلتون پیدا کرد.

هر دو اثر دارای زبانی فاخر و تشبیهات و تعبیرات وصفی زیبایی بوده دارای مضامین اسطوره‌ای فراوانی نیز هستند. حکایات هر دو اثر برای کودکان و نوجوانان مناسب است. هم‌چنین هر دو اثر مدت‌ها پس از سروده شدن مورد اقبال عموم قرار گرفتند و در زمان زندگی صاحب اثر از مقبولیت چندانی برخوردار نشدند. علاوه بر این هر دو پایانی غم‌انگیز دارند.

تنها تقابل این دو اثر در محتوای آن‌هاست؛ **شاهنامه** حماسه‌ای ملی است که در بردارنده تاریخ ایران باستان از عهد آغازین تا اواخر عهد ساسانی است، در حالی که **بهشت گم‌شده** حماسه‌ای مذهبی از داستان آفرینش است. نگرش فردوسی نسبت به زن اندکی با نگرش میلتون متفاوت است. فردوسی برخی از زنان **شاهنامه** را ستوده و در مقابل از برخی از زنان به عنوان پتیاره نام برده است. در هر حال همان‌طور که **شاهنامه** خدمت بزرگی به زبان فارسی کرده، **بهشت گم‌شده** نیز این خدمت را به زبان و ادبیات انگلیسی انجام داده است.

منابع

- ۱- خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۸۱). **سخن‌های دیرینه**، چاپ اول، تهران: نشر افکار.
- ۲- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). **نامور نامه**، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۳- شرکت‌مقدم، صدیقه. (۱۳۸۸). «تطبیقی مکتب‌های ادبیات»، **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال سوم، ش ۱۲، صص ۵۱-۷۱.
- ۴- شهباز، حسن. (۱۳۸۵). **شاه‌کارهای بزرگ جهان**، جلد ۴، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر.
- ۵- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۹). **تاریخ ادبیات ایران**، چاپ نهم، جلد ۱، تهران: فردوس.

- ۶- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). **شاه‌نامه فردوسی پدیده بزرگ فرهنگی در تمدن جهانی**، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی.
- ۷- _____ (۱۳۷۹). **غم‌نامه رستم و سهراب**، به انتخاب و شرح جعفر شعار و حسن انوری، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر قطره.
- ۸- _____ (۱۳۸۱). **نامه باستان**، گزارش میرجلال‌الدین کزازی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۹- _____ (۱۳۸۲). **نامه باستان**، گزارش میرجلال‌الدین کزازی، جلد ۳، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۳). **نامه باستان**، گزارش میرجلال‌الدین کزازی، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: سمت.
- ۱۱- _____ (۱۳۸۳). **نامه باستان**، گزارش میرجلال‌الدین کزازی، جلد ۴، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۱۲- _____ (۱۳۸۴). **نامه باستان**، گزارش میرجلال‌الدین کزازی، جلد ۵، چاپ دوم، تهران: سمت.
- ۱۳- محبتی، مهدی. (۱۳۸۱). **پهلوان در بن بست**، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۱۴- مختاری، محمد. (۱۳۷۹). **اسطوره زال تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی**، چاپ دوم، تهران: طوس.
- ۱۵- میلتن، جان. (۱۳۸۳). **بهشت گم‌شده**، ترجمه‌ی فریده مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: تیر.
- 16- Milton, John. (1667). **Paradise lost**, Doubleday & company, Inc, Newyork: Garden city.
- 17- Honarvar, Hooshang. Sokhanvar, Jallal. (1376). **An abridged edition og the Northon Anthology of English Literature**, Einstein publications. 6th Edition. Tehran, Iran.
- 18- Perrine, L. (1965). **Literature, poetry, the elements of poetry**. Harcourt Brace Jovanivuch, Inc, united states of America.